

اسلام و الگویی مصارف

۲

یک کتاب در یک مقاله

محمود . س

اشاره

قسمت اول خلاصه کتاب «اسلام و الگویی مصارف» نوشته دکتر علی اکبر کلانتری، با بررسی مصارف خوراکی، بهداشتی، حقوقی، اخلاقی، انرژی و مسکن، در شماره قبل از نظرتان گذشت. اینک، مصارف پوششی، تفریحی، آرایشی و تشریفاتی از مصارف فردی و همچنین مطالبی در باب مصارف دولتی، تقدیم حضورتان می‌شود.

۷. مصارف پوششی

چنان که از روایات متعدد استفاده می‌شود، پیشوایان دینی علیهم‌السلام بر خورداری و بهره‌مندی از لباسهای متعدد رادر صورت تمکن مالی، اسراف ندانسته‌اند و این نکته را به شیوه‌های گوناگون ابراز داشته‌اند. امام صادق علیه‌السلام فرمود: «لَا بَأْسَ أَنْ يَكُونَ لِلرَّجُلِ عِشْرُونَ قِمِيصًا؛ اشکال ندارد مرد، دارای بیست پیراهن باشد.»

بر اساس برخی دیگر از روایات، آن چه در این باب، اسراف و نکوهیده است، استفاده نادرست و غیر عقلایی از لباس است. برای نمونه، اسحاق بن عمار می گوید: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَكُونُ لِلْمُؤْمِنِ عَشْرَةٌ أَقْمِصَةٌ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ عِشْرُونَ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ ثَلَاثُونَ قَالَ نَعَمْ لَيْسَ هَذَا مِنَ السَّرْفِ إِنَّمَا السَّرْفُ أَنْ تَجْعَلَ ثَوْبَ صَوْبِكَ ثَوْبَ بَدَلْتِكَ؛^۱ به امام صادق عليه السلام عرض کردم: شخص مؤمن می تواند ده پیراهن داشته باشد؟ فرمود: آری، عرض کردم، بیست پیراهن چطور؟ فرمود: آری، پرسیدم، سی پیراهن چطور؟ فرمود: آری، این [که انسان پیراهنهای متعدد داشته باشد] اسراف نیست، اسراف آن است که از لباسی که تو را [در انظار مردم] حفظ می کند [و لباس بیرونی و رسمی است] به عنوان لباس [کار و پوشش] خانگی استفاده کنی.»

نیز برابر برخی از روایات، داشتن لباسهای متعدد و مرغوب که به نوبت

پوشیده شوند و بدین وسیله از کهنه شدن آنها جلوگیری به عمل آید، مجاز دانسته شده است. شیخ کلینی به سند خود از نوح بن شعیب و او از یکی از دوستانش نقل می کند که وی گفت: «از امام صادق عليه السلام درباره مرد متمکنی پرسیدم که لباسهای متعدد و مرغوب، ردا و چندین پیراهن تهیه می کند و با پوشیدن آنها، خود را می آراید [و چون این لباسها، به نوبت پوشیده می شوند] یکدیگر را حفظ می کنند. آیا این شخص، اسراف گراست؟ حضرت فرمود: خیر؛ چون خداوند می فرماید: باید انسان متمکن و برخوردار، از دارایی خود خرج کند.»^۲

شایان ذکر است نباید استفاده از پوشش مناسب و مرغوب، یا پوشیدن غرورآمیز لباسهای گران قیمت و اشرافی، به قصد تکبر و تبختر که در روایات، مورد نکوهش شدید است، یکی محسوب شود. مرحوم

«لِلْمُسْرِفِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ - يَأْكُلُ مَا لَيْسَ لَهُ - وَيَلْبَسُ مَا لَيْسَ لَهُ وَيَشْتَرِي مَا لَيْسَ لَهُ؟»^۱ شخص اسراف‌گر، سه نشانه دارد؟ خوراکی را می‌خورد که برای او [و در حد او] نیست، لباسی را می‌پوشد که برای او نیست، و کالایی را خریداری می‌کند که برای او نیست [و نباید خریداری کند].»

مردی که با وجود تنگنای معیشتی و ناتوانی در برآوردن هزینه‌های همسر و فرزندان، اقدام به تهیه لباسهای فاخر و گران قیمت می‌کند و زنی که متأثر از فضا‌سازیها و مدگراییها و بی‌اعتنا به محدودیتها و مشکلات مالی همسرش، به سراغ کیف و کفش و لباسی می‌رود که فراتر از شأن و موقعیت او است، از مصادیق این سخن هستند.

گفتنی است آن چه امروزه، در زمینه پوشش، به عنوان مد و مدگرایی مطرح است، از امور ناپسندی است

کاشف‌الغطاء، ضمن بر شمردن لباسهایی که پوشیدن آنها حرام است، و در اشاره به مضامین برخی از روایات می‌نویسد: «از لباسهایی که پوشیدن آنها حرام است، لباس تبختر و تفاخر است؛ زیرا [بر اساس روایات] هر کس گردن‌فرازی کند و تبختر ورزد، با خدای تعالی، در جبروت و عظمت او منازعه کرده است و خداوند او را به دوزخ فرو خواهد برد و در آن جا، قرین و همراه قارون خواهد بود.»^۱

همچنین باید به این نکته توجه داشت که پوشیدن لباس متعدد و مرغوب، آن‌گاه اسراف محسوب نمی‌شود که این کار در شأن شخص و لایق به حال او باشد و با انجام این کار، سایر بخشهای زندگی آسیب نبیند و به حقوق خانواده اخلال وارد نشود. روایت زیر از امام علی علیه السلام می‌تواند اشاره به این امر باشد.

۲. من لا یحضره الفقیه، صدوق، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ص ۱۶۷.

۱. کشف‌الغطاء، کاشف‌الغطاء، انتشارات مهدوی، اصفهان، چاپ سنگی، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۳.

خود از دین، دید مثبتی نسبت به مقوله تفریح و شادی نداشته باشند. در تلقی این گونه افراد، دین و دین داری، در نماز، روزه، حج، زکات و اموری از این قبیل محدود می‌شود و تفریح و تفرّج، کاری برای غیر متدینین محسوب می‌گردد. در حالی که سیره عملی پیشوایان و بزرگان دین، گویای توجه ایشان به امر تفرّج و هواخوری است.

عمر بن حرّیث نقل می‌کند: بر امام صادق علیه السلام که در منزل برادرش، عبدالله بن محمد، به سر می‌برد وارد شدم، به او عرض کردم: چه انگیزه‌ای شما را به این منزل آورده؟ حضرت فرمود: «طَلَبُ النَّزْهَةِ؛ طلب تنزه و تفریح.» همچنین بر اساس روایتی، امام صادق علیه السلام تفریح و تفرّج را در ده چیز از جمله پیاده‌روی، سوارکاری و نگریستن به سبزه دانسته است.^۲

که با عزت اسلامی و استقلال ملی، همخوانی ندارد. و چنان چه به تشخیص مسئولان و کارشناسان امر، موجب ترویج فرهنگ بیگانه و از مصادیق تهاجم فرهنگی محسوب شود، نباید در ناروا بودن آن تردید کرد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «أَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَيَّ مِنْ الْأَنْبِيَاءِ قُلُوبًا لِقَوْمِكَ لَا يَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي وَلَا يَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِي وَلَا يَتَشَكَّلُوا بِمَشَاكِلِ أَعْدَائِي فَيَكُونُوا أَعْدَائِي!» خداوند، به یکی از پیامبرانش وحی نمود: به مردمتم بگو! لباس دشمنان مرا نپوشند و از خوردنیهای آنان استفاده نکنند و هم شکل با آنان نشوند که اگر چنین کنند، در زمره دشمنان من خواهند بود.

۸. مصارف تفریحی

ممکن است برخی از متدینین، بر اساس برداشت نارسا و تصور ناقص

۲. مشکاة الانوار، ابوالفضل طبرسی، کتابخانه حیدریه، نجف، ج دوم، ۱۳۸۵ ق، ص ۱۵۰.

۱. مستدرک الوسائل، حسین نوری، ج ۳، ص ۲۱۰.

نیز بر اساس روایتی که برقی با سند خود از ابراهیم بن ابی محمود نقل می‌کند، وی می‌گوید: «قَالَ لَنَا أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا أَيُّ الْإِدَامِ أَجْزَأُ فَقَالَ بَعْضُنَا اللَّحْمُ وَقَالَ بَعْضُنَا الزَّيْتُ وَقَالَ بَعْضُنَا السَّمْنُ فَقَالَ لَا بَلِ الْمِلْحُ لَقَدْ خَرَجْنَا إِلَى نَزْهَةِ لَنَا وَنَسِيَ الْعِلْمَانُ الْمِلْحَ فَمَا انْتَفَعْنَا بِشَيْءٍ حَتَّى انْصَرَفْنَا»^۱ امام رضا علیه السلام از ما پرسید: کدام خورش، کافی‌تر است؟ بعضی از ما گفتند: گوشت، برخی دیگر گفتند: زیتون و بعضی روغن را گفتند. حضرت فرمود: نه، بلکه نمک چنین است. [روزی] به سوی تفرجگاهی که برای ما بود خارج شدیم؛ ولی چون خدمتکاران نمک را فراموش کرده بودند، بهره و سودی نبردیم تا این که برگشتیم.

یکی از نوه‌های امام خمینی رضی الله عنه می‌گوید: «به یاد دارم ایشان همیشه می‌فرمود: در ساعت تفریح، درس نخوانید و در ساعت درس خواندن

تفریح نکنید، هر کدام در جای خود.» «از زمان کودکی، به یاد دارند که هیچ وقت، این دو را با هم عوض نکرده‌اند و این دو، لازم و ملزوم یکدیگرند.»^۲

اندازه شادی و تفریح

باید در تفریح و ابراز شادی و نشاط، زیاده‌روی نکرد، به گونه‌ای که به تکبر و سرکشی منتهی شود و سر از غرور و خودپسندی و به تعبیر قرآن «مَرَح» درآورد که آن مورد نکوهش است. چنان که خداوند، در وصف شادمانی دسته‌ای از زیان کاران می‌فرماید: «ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ»^۳؛ «این بدان سبب است که در زمین، [بسی جهت و] به‌ناحق به شادی پرداختید و دچار غرور و تکبر شدید.»

۲. عبد صالح، محمد علی جدیدی، انتشارات

طاووس بهشت، قم، ج اول، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۰۳.

۳. غافر/۷۵.

۱. المحاسن، برقی، ج ۲، ص ۹۵۲؛ بحار الانوار،

ج ۶۳، ص ۳۹۹.

چارچوب امور حلال و مباح صرف می‌کند.»

در روایتی دیگر، پس از این که ساعات عمر را به چهار ساعت، برای: مناجات با پروردگار، امور معیشتی، دیدار با برادران ایمانی و لذت بردن، تقسیم می‌کند، در اشاره به ساعت اخیر آمده است: «بِهَذِهِ السَّاعَةِ تَقْدِرُونَ عَلَى الثَّلَاثِ السَّاعَاتِ؟^۳ با استفاده [بجا و معقول] از این ساعت، بر انجام دادن سه کار دیگر [نیز] قادر خواهید شد.» از مطالب بالا استفاده می‌شود باید بهره‌وری از لذت‌ها و دست‌یابی به نشاط و شادمانی، به کیفیت و اندازه‌ای باشد که شخص، پس از تحصیل آن، بتواند با آمادگی و نشاط کافی، به امور عبادی، معیشتی و اجتماعی خود رسیدگی کند و در انجام این امور، دچار رخوت و سستی نشود.

ابن منظور می‌نویسد: «إِنَّ الْفَرْحَ وَالْمَرَحَ وَالْخَيْلَاءَ كُلُّ ذَلِكَ فِي الشَّرِكِ وَالْعَمَلِ فِي الْأَرْضِ بِالْمُعْصِيَةِ؛ شادمانی بیش از حد و غرور آمیز و تکبر و تبختر، همه در زمره شرک و گناه‌کاری بر روی زمین است.»

و اما میزان تفریح و شادی، بر اساس برخی دیگر از رهنمودهای پیشوایان دین علیهم‌السلام قابل تبیین است. در کلامی از امام علی علیه‌السلام آمده است: «لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ فَسَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يَرُمُّ مَعَاشَهُ وَ سَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَذَّتِهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمَلُ؛^۲ وقت انسان مؤمن، سه بخش است.

بخشی را به مناجات با پروردگار [و عبادت] اختصاص می‌دهد و بخشی از آن را به منظور مرمت و اصلاح معاش، در نظر می‌گیرد و قسمتی دیگر را برای لذت‌جویی در

۱. تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی، دارالکتاب،

قم، ج سوم، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۲۶۱.

۲. نهج البلاغه، سید رضی، انتشارات دار الهجرة،

قم، بی‌تا، حکمت ۳۸۲.

۳. فقه الرضا علیه‌السلام، ابن بابویه، کنگره امام رضا علیه‌السلام.

مشهد، ج اول، ۱۴۰۶ ق، ص ۲۳۷.

۹. مصارف آرایشی و تزئینی

در اهمیت آرایش و تزئین در فرهنگ اسلام، همین بس که بخش قابل توجهی از سخن و سیره پیشوایان دین، ناظر به این امر و در پیوند با مسائل جانبی آن است. برای نمونه به نقل از امام علی علیه السلام می‌خوانیم: «لَيَتَزَيَّنُّ أَحَدُكُمْ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ كَمَا يَتَزَيَّنُّ لِلْغَرِيبِ الَّذِي يُحِبُّ أَنْ يَرَاهُ فِي أَحْسَنِ الْهَيْئَةِ؛ باید هر یک از شما، خود را برای [دیدار با] برادر مسلمانش، آن گونه بیاراید که برای [دیدار با] شخص بیگانه می‌آراید، بیگانه‌ای که دوست دارد او را در بهترین شکل و شمایل ببیند.»^۱

اما متأسفانه، این مقوله در جامعه امروز ما، بیگانه از آموزه‌های دینی و متأثر از فرهنگ ناسالم غرب، به صورت معضلی نگران کننده درآمده است که حل آن بدون آموزشهای دراز مدت و فرهنگ سازی عمیق، امکان‌پذیر نیست.

مطلب زیر، گزارشی از یکی از جراید می‌باشد:

«گرایش روز افزون زنان، دختران و دختران کم سن و سال به استفاده بی‌رویه از لوازم آرایشی، به مرز بحران رسیده و نگرانیهای عمیقی را برانگیخته است و موج استفاده از لوازم آرایشی، چنان سرسام آور است که مهار این بحران، دشوار به نظر می‌رسد.

چشم روشنها، لنز تیره می‌خواهند، چشم تیره‌ها لنز روشن، اگر پوست دختری برق بزند، مات کننده، چاره کار است در این صورت دیگر برق نمی‌زند...»

در بیشتر اوقات، زنان و دختران جوانی که عارضه‌ای در صورت ندارند و شادابی و طراوت پوست آنها، در حد معمولی است هم به طور بی‌وقفه، از لوازم آرایشی زیبا کننده، استفاده می‌کنند ...

یک ایرانی مقیم کپنهاک که گاهی به تهران سفر می‌کند، با ابراز شگفتی

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۶۰.

از اشتیاق گسترده زنان و دختران ایرانی به استفاده از لوازم زیبا کننده آرایشی می‌گوید: آرایشهای غلیظ در کشورهای اروپایی، معمولاً مخصوص زنهایی با سنین بالا است که طراوت پوستشان را با گذشت سالها از دست داده‌اند.^۱

اندازه مورد قبول آرایش

اندازه آرایش، با توجه به تفاوت آرایش کننده‌ها و کسانی که برای آنها آرایش می‌شود، متفاوت است. در این میان، به زیباسازی و آرایش بانوان، به دلیل ویژگیها و جاذبه‌های جنسیتی آنان، با حساسیت و اهتمام بیش‌تری نگریسته شده.

در رابطه با آرایش بانوان، به سه دسته روایت بر می‌خوریم. دسته‌ای از آنها، زنان را به طور عموم، به زیبا سازی و آرایش تشویق می‌کنند و دسته‌ای دیگر، در خصوص زنان متأهل و تشویق آنان به تزئین و آرایش برای همسران خود وارد شده

است و دسته سوم، روایاتی است که برای این کار بانوان، محدودیتهایی لحاظ کرده‌اند؛ به این معنا که از آرایش و تزئین آنان برای غیر همسرانشان و محیط بیرون از خانه منع نموده‌اند.

در رابطه با هر قسم یک حدیث نقل می‌کنیم:

در مورد قسم اول از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «لَا يَنْبَغِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُعْطَلَ نَفْسَهَا وَ لَوْ أَنَّ تَعْلُقَ فِي عُنُقِهَا قِلَادَةً وَ لَا يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تَدْعَ يَدَهَا مِنَ الْخِضَابِ وَ لَوْ أَنَّ تَمْسَحَهَا بِالْحِنَاءِ مَسْحاً وَ إِنْ كَانَتْ مُسِنَّةً؟» برای زن سزاوار نیست خود را معطل بگذارد؛ [باید کاری انجام دهد] اگر چه به آویزان کردن گردنبنندی در گردن خود و سزاوار نیست که دست خود را بدون خضاب رها کند اگر چه در حد لمس کردن حنا، هر چند زن سالخورده باشد.»

۱. خبر جنوب، ۲۲/۲/۸۳.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۷.

حسن بن جهم می گوید: دیدم ابوالحسن علیه السلام خضاب کرده است، [از روی تعجب] عرض کردم: فدایت شوم خضاب کرده ای؟! فرمود: «نعم إنَّ التَّهْنِئَةَ مِمَّا يَزِيدُ فِي عِقَةِ النِّسَاءِ وَ لَقَدْ تَرَكَ النِّسَاءُ الْعِقَةَ بِتَرْكِ أَزْوَاجِهِنَّ التَّهْنِئَةَ ثُمَّ قَالَ أَيْسُرُكَ أَنْ تَرَاهَا عَلَى مَا تَرَكَ عَلَيْهِ إِذَا كُنْتَ عَلَى غَيْرِ تَهْنِئَةٍ قُلْتُ لَأَقَالَ فَهُوَ ذَاكَ...^۳؛ بله، آماجگی و تهیه دیدن، به عفت زنان می افزاید. همانا زنان به علت این که همسرانشان این کار را ترک کرده اند، دست از عفاف کشیده اند. سپس فرمود: آیا اگر همسرت را مثل خودت ببینی در حالی که به خود نرسیده ای، خوشحال می شوی؟ عرض کردم: نه، فرمود: او هم، چنین است...»

بدیهی است روا بودن آرایش بلکه استحباب مؤکد آن در موارد یاد شده، مقید به رعایت اعتدال و پرهیز از اسراف است. به دیگر سخن، لازم است کم و کیف آرایش و هزینه‌ای

و از دسته دوم، روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: «عَلَيْهَا أَنْ تَطَيَّبَ بِأَطْيَبِ طَيِّبِهَا وَ تَلْبَسَ أَحْسَنَ ثِيَابِهَا وَ تَزَيَّنَ بِأَحْسَنِ زِينَتِهَا؛ از جمله حقوق شوهر بر همسر این است که خود را به بهترین عطرها خوشبو کند و بهترین لباسها [ی ممکن] را بپوشد و خود را به بهترین وجه آرایش نماید.»

و از دسته سوم، روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «أَيُّمَا امْرَأَةٍ تَطَيَّبَتْ لِغَيْرِ زَوْجِهَا لَمْ تُقْبَلْ مِنْهَا صَلَاةٌ حَتَّى تَغْتَسِلَ مِنْ طَيِّبِهَا كَغُسْلِهَا مِنْ جَنَابَتِهَا؛ زنی که خود را برای غیر همسرش خوشبو نماید، نمازی از او پذیرفته نمی شود تا وقتی که خود را از بوی خوش شسشو دهد؛ همان گونه که از جنابت خود، غسل می کند.»

گفتنی است همان گونه که به زنان لازم است خود را برای شوهران بیارایند، بر شوهران نیز لازم است در این مورد اقدام کنند.

۱. همان، ج ۲۰، ص ۱۵۸.

۲. همان، ص ۱۶۰.

۳. همان، ج ۲۰، ص ۲۴۶.

که به مصرف آن می‌رسد، در میان مردم، معمول و متعارف باشد و با شأن و موقعیت مالی و اجتماعی شخص، وفق دهد.

فاضل نراقی، در اشاره به این امر می‌نویسد: «... باید شخص، مال خود را در چیزهایی مصرف کند که بدان احتیاج دارد، یا فایده عقلایی بر آن مترتب می‌شود، و به مقداری باشد که متناسب با حال و وضع او است. و از جمله فوایدی که مورد نظر عقلا است، آرایش و زینت نمودن است که از نگاه شرع، امری مطلوب محسوب می‌شود، مشروط بر آن که [هزینه مصرفی در این زمینه] بیش از مقدار متناسب با او نباشد.»^۱

۱۰. مصارف تشریفاتی

اهمیت پرداختن به این موضوع، یکی بدان جهت است که امروزه، بخش قابل توجهی از مخارج و هزینه‌های اشخاص و خانواده‌ها را

مصارف تشریفاتی تشکیل می‌دهد و از سوی دیگر، گاه در این عرصه، شاهد زیاده‌رویها، ریخت و پاشها و مصارفی هستیم که فاقد مبنای عقلایی و شرعی است و می‌تواند مبتنی بر چشم و هم چشمی و برخاسته از انگیزه‌های نادرستی مانند تفاخر و خودنمایی باشد که از نگاه دین مورد نکوهش است. چنان که به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم: «مَنْ أَطْعَمَ طَعَامًا رِيَاءً وَ سُنْعَةً أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِثْلَهُ مِنْ صَدِيدِ جَهَنَّمَ وَ جَعَلَ ذَلِكَ الطَّعَامَ نَارًا فِي بَطْنِهِ حَتَّى يَقْضِيَ بَيْنَ النَّاسِ؟ هر کس، از سر ریا و خودنمایی، [سفره دهد و] اطعام نماید، خداوند، مثل همان طعام، از غذای چرکین جهنم به او بخوراند و همان طعام را به صورت آتشی در درون او قرار دهد تا این که میان مردم، داوری نماید.»

۲. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق.

انتشارات شریف رضی، قم، ج دوم، ۱۳۶۴ ش.

۱. عوائد الایام، احمد نراقی، کتابخانه بصیرتی، قم.

الف. عروسی

مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: [علت چیست] در ولیمه عروسی، رایحه و بوی مطبوعی وجود دارد که در دیگر غذاها وجود ندارد؟ حضرت فرمود: «مَا مِنْ عُرْسٍ يَكُونُ يُنْخَرُ فِيهِ جَزُورٌ أَوْ تُذْبَحُ بَقْرَةٌ أَوْ شَاةٌ إِلَّا بَعَثَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَلَكَاً مَعَهُ قِيرَاطٌ مِنْ مِسْكِ الْجَنَّةِ حَتَّى يُدِيقَهُ فِي طَعَامِهِمْ فَتَلْكَ الرَّائِحَةُ الَّتِي تُشَمُّ لِذَلِكَ؟» هیچ عروسی نیست که در آن شتری نحر شود یا گاو یا گوسفندی ذبح گردد، مگر اینکه خداوند فرشته‌ای می‌فرستد که با خود، قیراطی از مشک بهشت به همراه دارد تا در غذای آنان مخلوط کند. بوی [خوشی] که از این طعام به مشام می‌خورد، به همین سبب است.»

ب. به دنیا آمدن فرزند

منهال قصاب می‌گوید: به قصد مدینه، از مکه بیرون آمدم، در مسیر خود، وقتی به ابواء رسیدم که در آن

برخی از موارد تشریفاتی مانند: پذیرایی از میهمان و پذیرایی از مصیبت دیدگان، به دلیل پررنگ بودن صبغه اخلاقی آنها، در مبحث مصارف اخلاقی، مورد بررسی قرار گرفت. در این قسمت به توضیح مصارفی می‌پردازیم که جنبه تشریفاتی بودن آنها، بیش از سایر جنبه‌ها است.

ولیمه و موارد آن

«وَلِم» و «وَلِمَةٌ» در اصل به معنای جمع شدن و گرد آمدن است. و ولیمه به غذا و طعامی گفته می‌شود که در مراسم عروسی و غیر آن مورد استفاده قرار می‌گیرد و به گفته برخی، غذای عروسی، ولیمه، و غذایی که برای خانه دار شدن داده می‌شود، نفعیه نام دارد.^۱

بر اساس سخن و سیره پیشوایان دینی علیهم السلام در موارد زیر، دادن ولیمه، مورد تأیید و گاه مورد تأکید است:

۱. لسان العرب، ابن منظور، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج اول، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۵، ص ۳۹۹.

۲. کافی، ج ۶، ص ۲۸۲.

جا، موسی علیه السلام، پسر امام صادق علیه السلام به دنیا آمده بود. من پیش از امام صادق علیه السلام وارد مدینه شدم، و ایشان یک روز پس از من وارد شهر شد و مردم را [به میمنت تولد فرزند و به عنوان ولیمه آن] اطعام نمود.^۱

ج. بازگشت از سفر

در یکی از روایات، هنگام شمارش مواردی که ولیمه داده می شود، تعبیر شده است: «وَالْأَيَّابِ وَهُوَ الرَّجُلُ يَدْعُو إِخْوَانَهُ إِذَا أَبَ مِنْ غَيْبَتِهِ؟» و از موارد ولیمه، آن است که مرد، پس از آمدن [از سفر] و بازگشت از غیبت، برادران [دینی] خود را دعوت نماید.»

د - ه. ختنه کردن فرزند و خریدن خانه

بنابر نقل شیخ صدوق، رسول خدا صلی الله علیه و آله در ارتباط با دادن ولیمه برای این دو مورد و موارد پیشین فرمود: «لَا وَلِيمَةَ إِلَّا فِي خَمْسٍ فِي عُرْسٍ أَوْ خُرْسٍ أَوْ

عِذَارٍ أَوْ وَكَارٍ أَوْ رِكَازٍ فَالْعُرْسُ التَّزْوِيجُ وَ الْخُرْسُ النَّفَاسُ بِالْوَكْدِ وَ الْعِذَارُ الْخِتَانُ وَ الْوِكَارُ الرَّجُلُ يَشْتَرِي الدَّارَ وَ الرِّكَازُ الرَّجُلُ يَقْدِمُ مِنْ مَكَّةَ؟^۲ دادن ولیمه [مطلوب] نیست مگر در پنج مورد: عرس، خرس، عذار، وکار و رکاژ. عرس؛ یعنی ازدواج کردن، خرس، به دنیا آمدن فرزند، عذار، ختنه کردن، وکار، خریدن خانه و رکاژ، آمدن مرد از مکه.»

چنان که می بینیم، این روایت، «آمدن از مکه» را از موارد ولیمه دادن بر شمرده است، و این می تواند از باب ذکر مصداق باشد؛ زیرا به قرینه روایت پیشین، هنگام بازگشت از مطلق سفر، دادن ولیمه مطلوب است. و باز به قرینه روایت قبل، منظور سفر طولانی است؛ به گونه ای که شخص، برای مدتی از دیده ها پنهان شود و غیبت عرفی صدق کند.

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۰۱.

۲. کافی، ج ۶، ص ۲۸۱.

۳. من لا یحضره الفقیه، صدوق، ج ۳، ص ۴۰۲.

ولیمه در موارد دیگر

گاه در میان مردم، به ولیمه‌ها و سفره دادنهایی برمی‌خوریم که در سیره و روایات رسیده از پیشوایان دین علیهم‌السلام اشاره‌ای به آنها نشده است. مثلاً شخصی که در امر تحصیل یا ورزش موفقیتی کسب کرده، سور یا مهمانی می‌دهد. این گونه موارد با توجه به نداشتن پشتوانه دینی و با عنایت به عبارت «لَا وَلِيمَةَ إِلَّا فِي حَمْسٍ...»، فاقد وجهه دینی است و نمی‌توان آن را عمل مستحب دانست. البته اگر این گونه اعمال، به انگیزه و به عنوان اطعام مؤمن یا کمک به مستمندان یا صلّه ارحام و عناوینی از این قبیل انجام شود، قطعاً مطلوب و راجح خواهد بود.

اندازه ولیمه

در روایتی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «الْوَلِيمَةُ أَوَّلَ يَوْمٍ حَقٍّ وَالثَّانِي مَغْرُوفٌ وَ مَا زَادَ رِبَاءً وَ سُمُّعَةً؛ دادن ولیمه، روز اول، حق [و به جا] است، روز دوم،

خوب، و بیش از آن، ریاکاری و خودنمایی است.»

عقیقه

از مصارف مالی که در فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام، مورد تأکید فراوان است، عقیقه می‌باشد. این واژه از ماده «عق» به معنای شکافتن و بریدن است و به حیوانی که برای این منظور، ذبح می‌شود، عقیقه گفته‌اند.

و در اهمیت عقیقه، همین بس که از امام صادق علیه‌السلام می‌خوانیم: «كُلُّ مَوْلُودٍ مُرْتَهَنٌ بِعَقِيْقَتِهِ؛ هر کودکی که زاده می‌شود، [حیات و سلامتی او] در گرو عقیقه‌اش است.»

آنچه در این باب، مورد تأکید است، ذبح کردن حیوان و جاری نمودن خون است، نه اموری مانند صدقه دادن قیمت حیوان. عبدالله بن بکیر می‌گوید: در حضور امام صادق علیه‌السلام بودم که فرستاده‌ای از سوی عموی حضرت، عبدالله بن علی آمد و عرض کرد: عمویتان می‌گوید ما در

۱. فرد با اموال و منافع شخصی خود سر و کار دارد؛ ولی دولت، با اموال عمومی (بیت المال) و مصالح جمعی.

۲. در بسیاری موارد، مصارف دولت و تخصیص بودجه‌ها از سوی نهادها و سازمانهای دولتی، به تدابیر گسترده و سیاست‌گذاریهای دقیق و برنامه‌ریزیهای پیچیده نیازمند است؛ بر خلاف مصارف فردی که در این حد از اهمیت نیستند.

۳. پیامدهای مصارف فردی، محدود است؛ بر خلاف مصارف دولتی که گاه تبعات و نتایج آن یک شهر و یا یک کشور را در بر می‌گیرد. از اینرو اگر رفتار زشتی مانند خیانت‌کاری در عرصه‌های محدود و امور فردی، زشت و نکوهیده باشد، در امور دولتی و آن چه به کشور و امت اسلامی مربوط می‌شود، زشت‌تر و نکوهیده‌تر است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «أَعْظَمُ الْخِيَانَةِ خِيَانَةُ الْأُمَّةِ»^۳

پی عقیقه رفتیم؛ ولی نیافتیم، می‌توانیم به قیمت آن صدقه دهیم؟ حضرت فرمود: «لَا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِطْعَامَ الطَّعَامِ وَ إِرَاقَةَ الدَّمَاءِ»^۱ نه، خدا دوست دارد اطعام صورت گیرد و خون ریخته شود.»

طبق روایات، عقیقه می‌تواند، گوسفند، گاو و شتر باشد و در این باب، فرقی بین مولود پسر و دختر نیست. و پاچه و ران حیوان به قابله هدیه داده می‌شود. مادر کودک، از خوردن غذایی که با این گوشت تهیه می‌شود، منع شده است.

گوشت حیوان عقیقه، در قطعات متعدد بریده شده و بی‌آن که استخوان آن شکسته شود، طبخ می‌گردد و با غذای به عمل آمده، گروهی از مسلمانان، پذیرایی می‌شوند.^۲

مصارف دولتی

میان مصارف فردی و مصارف دولتی تفاوت‌هایی وجود دارد از جمله:

۱. همان، ص ۲۵.

۲. ر.ک: همان، ص ۲۷، ۲۹ و ۳۲.

۳. نهج البلاغه، نامه ۲۶.

و متمکنان را بر مسکینان و قدرتمندان را بر ضعیفان پیش ندارد.

لزوم توجه دولت مردان اسلامی به عدالت ورزی به حدی است که امام علی علیه السلام طی نامه‌ای به فرماندار خود در مصر، ضرورت این امر را در جزئی‌ترین رفتار با مردم گوشزد می‌کند و می‌فرماید: «وَأَسِ بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَالنَّظْرَةِ حَتَّىٰ لَا يَطْمَعَ الْعُظْمَاءُ فِي حَيْفِكَ لَهُمْ وَلَا يَبْتَاسَ الضُّعَفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ عَلَيْهِمْ!» در نگریستن زیر چشمی و خیره شدن به مردم، به مساوات و برابری رفتار کن تا بزرگان، به ظلم و ستم تو به سود خویش طمع نکنند و ناتوانان، از عدالت ورزی‌ات نومید نگردند.»

همچنین در پاسخ به برخی از یاران مصلحت اندیش که به ایشان پیشنهاد می‌کردند، خواسته‌های طلحه و زبیر را برآورده سازد فرمود: «وَاللَّهِ ... وَلَوْ كَانَ الْمَالُ لِي لَسَوَّيْتُ بَيْنَهُمْ فَكَيْفَ

بزرگ‌ترین خیانت، خیانت به امت (اسلامی) است.»

۴. به طور معمول و متأسفانه، انگیزه افراد در صرفه‌جویی و بهره‌وری صحیح از اموال دولتی نسبت به اموال شخصی، کم‌تر و ضعیف‌تر است.

این تفاوتها ایجاب می‌کند که جهت تعیین الگوی مصرف در هزینه‌ها و مصارف دولتی افزون بر معیارهای یاد شده در بخش مصارف فردی، اصول و مکانیزمهای دیگری را نیز مورد توجه قرار داد. در زیر، به مهم‌ترین این اصول می‌پردازیم.

۱. عدالت ورزی در تخصیص

امکانات و توزیع درآمدها

عدالت‌ورزی دولت اسلامی به آن است که در تخصیص امکانات و خدمات و در توزیع ثروتها و درآمدها و نیز در تدوین و تصویب قوانین و آیین نامه‌های مربوط به امور یاد شده، میان اقشار جامعه، تفاوت قائل نشود

را ۳/۷ برابر بیش تر از فقیران استفاده می‌کنند.^۲

و طبق گزارش بانک مرکزی، ۴۹ درصد درآمد کشور به ۲۰ درصد خانوارها و ۵۱ درصد باقیمانده به ۸۰ درصد خانوارها تعلق می‌گیرد و نسبت درآمدی ۱۰ درصد ثروتمندان کشور، ۷ برابر خانوارهای فقیر جامعه است و سهم دو دهک درآمدی پایین جامعه از درآمد ملی، حدود ۵ درصد است.^۳

این حقایق تأسف بار ایجاب می‌کند نظام اسلامی، با اتخاذ سیاستهای اصولی و تدابیر ویژه، زمینه‌های توزیع عادلانه ثروت را فراهم آورد به گونه‌ای که اقشار جامعه، به طور برابر از امکانات و خدمات آموزشی، بهداشتی، ورزشی، تفریحی، انرژی، مسکن و ... بهره‌مند شوند.

وَ إِنَّمَا الْمَالُ مَالُ اللَّهِ؛ به خدا سوگند! [این کار را نخواهم کرد] ... اگر بیت‌المال، مال شخصی من هم بود، آن را به طور مساوی میان مسلمانان تقسیم می‌کردم، چه رسد به این که این مال، مال خدا است.»

اگر بخواهیم موضوع مورد بحث را متناسب با وضعیت فعلی کشور و در قالب مثال توضیح دهیم باید به سیستم یارانه اشاره کنیم که از منابع و درآمدهای عمومی پرداخت می‌شود. امری که می‌تواند در کوتاه مدت و به سبب پاره‌ای از ضرورتها، قابل تایید باشد؛ ولی بی‌تردید، اجرای ناهدفمند آن در دراز مدت، در تضاد آشکار با عدالت اجتماعی است.

بر اساس یک گزارش اقتصادی در سال ۱۳۸۳، ثروتمندان، بنزین را ۴۱ برابر، گازوئیل را ۳۳ برابر، نفت سفید را ۱/۸ برابر و گاز را ۴/۵ برابر و برق

۲. جمهوری اسلامی، ۸/۵/۸۴.

۳. همان.

۱. همان نام.

۲. مقدم داشتن منافع توده مردم بر

مصالح خواص

خصوصیت مردمی بودن دولت اسلامی ایجاب می‌کند منافع توده مردم و مصالح اکثریت جامعه را بر منافع اقلیت خواص، مقدم بدارد و سیاستهای مصرفی خود را بر این اساس تنظیم کند.

امام علی علیه السلام در تحلیلی جامعه شناسانه، این مهم را به مالک اشتر گوشزد می‌کند و می‌فرماید:

«باید محبوب‌ترین کارها پیش تو، معتدل‌ترین آنها در حق و گسترده‌ترین آنها در عدالت و جامع‌ترین آنها در جلب رضایت توده مردم باشد؛ زیرا خشم توده مردم، رضایت خواص را از بین می‌برد [در صورت نارضایتی اکثریت، رضایت اقلیت بی‌فایده است] و در میان مردم، هیچ کس برای حاکم، گران‌بارتر از خواص در موقع رفاه و آسایش و کم‌یاری کننده‌تر از آنان در وقت بخشش و کندتر از آنان در پذیرش عذر به

هنگام عدم بخشش و کم‌صبرتر از آنان به هنگام پیشامد سختیهای روزگار نیست. همانا ستون دین و جمعیت مسلمانان و گروه آماده برای [مقابله با] دشمنان، توده و عامه مردم هستند [نه خواص ایشان]، پس باید به سخنان آنان گوش فرا دهی و تمایل و رغبتت به آنان باشد.»^۱

۳. نگاه ویژه به امر آموزش و

پژوهش

تفاوت عمده میان دو مقوله آموزش و پژوهش آن است که آن چه در آموزش، مورد نظر است، انتقال و یادگیری تولیدات و یافته‌های علمی است؛ ولی مقصود پژوهش، گام نهادن در راههای ناپیموده و تولید یافته‌های جدید علمی است. ملموس‌ترین نتیجه بی‌توجهی به این دو مهم، به خصوص پژوهش، ضعف در برنامه‌ریزی، تدوین سیاستهای غیر اصولی، وابستگی به پژوهشهای بیگانگان و عمل کردن به نسخه‌های

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

وارداتی و احیاناً شکست خورده دیگران است.

بر اساس مستندات، در ایران تعداد محقق در سالهای ۷۲ تا ۷۹، در یک میلیون نفر، حدوداً ۳۴۵ نفر بوده است.^۱ این در حالی است که بر طبق آماري که اخیراً سازمانهای بین‌المللی در خصوص شاخص تعداد پژوهشگران به میزان جمعیت ارائه کرده‌اند، برای هر یک میلیون نفر، ۱۲۷۰ پژوهشگر نیاز است که این آمار، در اروپا ۲۲۰۶ پژوهشگر و در آمریکا ۱۵۰۹ نفر است.^۲

بر طبق برآوردی دیگر، در حال حاضر، سرانه بخش پژوهشی در ایران، ۳۵ صدم درصد درآمد ملی است و حال آن که میزان این بودجه، از یک دهم درصد در جهان سوم، تا

۷ درصد در آمریکا و ژاپن متغیر است.^۳

بی‌گمان بر خورداری ممالک استکباری از امکانات و توانمندیهای برتر تحقیقاتی و ضعف کشورهای اسلامی در این عرصه، موجب تفوق و استیلای آنها بر جوامع اسلامی و زمینه ساز وابستگی مسلمانان به بیگانگان خواهد شد. امری که با آموزه‌های روشنی چون آیات «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً»؛ «خداوند برای کافرین نسبت به مؤمنین تسلطی قرار نداده است.» و «أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»؛ «هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها (دشمنان) آماده سازید.» و حدیث نبوی «الْإِسْلَامُ يُغْلَوُ وَلَا يُغْلَى

۳. صنایع الکترونیک، عبدالمجید ریاضی، شرکت صنایع الکترونیک ایران، تهران، ۱۳۸۲ ش، ش. ۹، ص. ۷۰.

۴. نساء/۱۴۱.

۵. انفال/۶۰.

۱. خبرنامه دین پژوهان، دبیرخانه دین پژوهان،

قم، ۱۳۸۱ ش، شماره ۱۱، ص ۱۰۸.

۲. جمهوری اسلامی، ۸۱/۱۰/۱۰.

میلیارد دلار صرف تبلیغات و بیش از ۶۰ میلیارد دلار به معرفی کالا از طریق کوپن تخفیف، نمونه‌های مجانی، تخفیف پس از فروش و موارد مشابه اختصاص می‌دهند، این مبلغ تبلیغاتی معادل ۲۰۰ دلار برای هر آمریکایی است؛ رقمی که بیش از درآمد سرانه یک شهروند متعارف جهان سومی است.

افزون بر این در هر سال، بیش از ۹۰ فیلم، ۱۲ مجله به ۲۲ زبان و ۸۰۰ ساعت برنامه‌های صدای آمریکا به ۳۷ زبان تهیه می‌شود که همگی به شرح محسنات زندگی به شیوه آمریکایی می‌پردازند.^۲

با توجه به این واقعیات، بر دولت اسلامی است که با کلان‌نگری و به دور از تنگ‌نظری، بودجه لازم و امکانات مناسب در اختیار سازمانها و

عَلَيْهِ؛^۱ اسلام برتر است و هیچ چیز بر آن برتری ندارد.» سازگار نیست.

بر این اساس، لازم است بودجه‌ای که به این امر اختصاص می‌یابد و هزینه‌ای که در این مورد به مصرف می‌رسد، به حدی باشد که استقلال و اقتدار کشور اسلامی را در زمینه تحقیقات فراهم آورد و زمینه‌های وابستگی آن به بیگانگان در این عرصه را از بین ببرد.

۴. اهتمام ویژه به فرهنگ جامعه

بشریت امروز، تهاجم فرهنگی قدرتهای سلطه‌گر را با بهره‌گیری از پیشرفته‌ترین تکنولوژی، با گوشت و پوست خود احساس می‌کند. ممالک استکباری و در رأس آنها آمریکا، برای اشاعه و گسترش فرهنگ خود، بودجه‌های بسیار هزینه می‌کنند و از امکانات فراوان بهره می‌گیرند. طبق آمار ارائه شده، آمریکا، ۷۵ درصد تبلیغات جهان را انجام می‌دهد. تولید کنندگان این کشور، سالانه بیش از ۴۵

۲. عصر تبلیغات، آنتونی پراتکانیس و الیوت آرنسون، ترجمه کاووس سیدامامی و محمدصادق عباسی، انتشارات سروش، تهران، چ اول، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۳.

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۳۴.

با تکیه تک بُعدی بر توسعه نظامی و فن آوری هسته‌ای و موشکی و بی‌توجهی به سایر ابعاد توسعه، نتوانست پا بر جا بماند و تن به فروپاشی داد.

ایلیوخین ویکتور ایوانویچ، نماینده دومای روسیه، در اشاره به این واقعیت گفته است:

«می‌توان گفت صنایع ما تقریباً صنایع میلیتاریستی (نظامی) بود؛ بدین معنا که ما مرتباً سلاح تولید کنیم و به پیشرفته‌ترین تکنولوژی نظامی دست یابیم. ما توانستیم به این فن آوری دست پیدا کنیم؛ اما در مقابل، بسیاری از احتیاجات اجتماعی خود را قربانی کردیم. اگر پولی را که برای تولید سلاح و مسائل نظامی صرف کردیم، صرف مسائل اجتماعی مردم کرده بودیم، به مراتب می‌توانستیم بیش‌تر به آنان خدمت کنیم ... وقتی پرده آهنین برداشته شده، تازه معلوم گردید در آمریکا چه مواد غذایی مصرف می‌شود و در آن جا چه اتومبیل‌هایی

نهادهای صلاحیت دار فرهنگی قرار دهد. تا با اتخاذ سیاستها و تنظیم برنامه‌ای صحیح توسط این سازمانها و نهادها، فرهنگ اصیل اسلامی، از دستبرد فرهنگ بیگانه مصون بماند و در صورت امکان، زمینه بسط و اشاعه آن در سطح جهان فراهم آید.

۵. رعایت اصل توازن در مصرف

ارتباط و تعامل میان نهادها و سازمانهای یک جامعه و تأثیرات متقابل میان آنها ایجاب می‌کند در تخصیص بودجه‌ها و امکانات به بخشهای گوناگون جامعه، اصل توازن، به عنوان یک اصل راهبردی مورد توجه قرار گیرد تا بدین وسیله، توسعه و پیشرفت، در همه ابعاد آن و به طور متعادل و هماهنگ تحقق یابد. انواع توسعه، نسبت به هم تأثیر و تأثر دارند و توجه بیش از حد به یکی از ابعاد توسعه، و غفلت از ابعاد دیگر، خطرآفرین است و زمینه را برای کاهش توان ملی فراهم می‌آورد. همان گونه که اتحاد جماهیر شوروی،

گوناگون از جمله روایاتی که در این باب رسیده، می‌توان تقدیر معیشت را چنین معنا کرد: «تدبیر و تنظیم عرصه‌های مختلف حیات در چهارچوب شرع و عقل و رعایت اعتدال در جنبه‌های گوناگون، برای نیل به زندگی مطلوب دنیوی و اخروی.»^۱

۶. پرهیز از هزینه‌ها و تشریفات

غیر ضروری

از آنجا که حاکمان و کارگزاران دولتی، با اموال عمومی سرو کار دارند، چنان چه در هزینه کردن این اموال، ریخت و پاش نمایند و با اقدامات نسنجیده و تشریفات غیر ضروری، موجبات تضییع و هدر رفت آن را فراهم آورند، کار آنان، نه تنها از مصادیق اسراف است؛ بلکه می‌تواند از موارد «خیانت کاری» باشد.

تولید می‌کنند. این مسائل یکباره به ذهن شهروند شوروی رسوخ کرد و معیاری شد برای زندگی متجدد.^۱

می‌توان این امر را در نگاه کلان، از مصادیق «تقدیر معیشت» دانست که در روایات متعدد، مورد تأکید پیشوایان دین علیهم‌السلام قرار گرفته است.

برای مثال، به نقل از امام علی علیه‌السلام آمده است: «ثَلَاثٌ يَهْنُ بِهِنَّ يَكْمُلُ الْمُسْلِمُ التَّقِيُّ فِي الدِّينِ وَ التَّقْدِيرُ فِي الْمَعِيشَةِ وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّوَائِبِ»^۲ شخص مسلمان با سه چیز به کمال می‌رسد: خوب فهمیدن دین، تقدیر در معیشت و شکیبایی بر مصیبت‌ها.

با توجه به گفته‌های واژه‌شناسان پیرامون واژگان «تقدیر» و «معیشت»^۳ و نیز با عنایت به قرائن و شواهد

۱. اصلاحات و فروپاشی، حسن واعظی، انتشارات سروش، تهران، چ اول، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۳۰.

۲. خصال، صدوق، ج ۱، ص ۱۲۴.

۳. القاموس المحيط، فیروز آبادی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چ اول، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۱۶۳.

۴. جهت آگاهی بیش‌تر در این مورد، رک: تقدیر معیشت، ضرورت جامعه اسلامی، علی اکبر کلاتری، انتشارات کوشامهر، شیراز، چ اول، ۱۳۸۳ ش، ص ۲۰-۲۶.

مستحق آن باشند و ثانیاً در این کار زیاده روی و افراط نشود و ثالثاً صرف این گونه هزینه‌ها به مصلحت جامعه باشد.

چنان که صاحب جواهر در مبحث سبق و رمایه می‌نویسد: «اگر امام [و حاکم اسلامی] جایزه مسابقه را از بیت المال بپردازد، این کار، بدون خلاف و بدون هر گونه اشکال، جایز است؛ زیرا در این کار، مصلحت اسلام و مسلمین نهفته است.»

امام علی علیه السلام در نامه خود به مالک اشتر، بر اهمیت تشویق تأکید می‌کند و می‌فرماید: «وَلَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةِ سَوَاءٍ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ تَزْهِيْدًا لِأَهْلِ الْإِحْسَانِ فِي الْإِحْسَانِ وَ تَذْرِيبًا لِأَهْلِ الْإِسَاءَةِ عَلَى الْإِسَاءَةِ؛^۱ نباید نیکوکار و زشت‌کار، پیش تو یکسان باشند؛ زیرا در این صورت، نیکوکار، نسبت به انجام کار نیک، دل‌سرد و بی‌رغبت می‌شود و بدکار، در ارتکاب بدی، تشویق می‌گردد.»

امام علی علیه السلام در نامه خود به زیاد به ابیه (آن گاه که وی قائم مقام عبدالله بن عباس در حکومت بصره بود) نوشته است: «وَإِنِّي أَقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمًا صَادِقًا لَئِن بَلَغَنِي أَنَّكَ خُنْتَ مِنْ فِئَةِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا لَأَشُدَّنَّ عَلَيْكَ شِدَّةً تَدْعُكَ قَلِيلَ الْوَقْرِ ثَقِيلَ الظَّهْرِ ضَمِيلَ الْأَمْرِ؛^۱ به خدا سوگند یاد می‌کنم، سوگندی از روی راستی! اگر به من برسد در اموال عمومی مسلمانان، به مقداری اندک یا بزرگ خیانت کرده، [به خلاف دستور صرف نموده‌ای]، بر تو سخت خواهم گرفت؛ چنان سخت‌گیری که تو را کم مایه و گران پشت و ذلیل و خوار گرداند.»

البته جوایز و پادشاهی‌هایی که از محل درآمدهای دولتی و به منظور تشویق و ترغیب اشخاص حقیقی و حقوقی پرداخت می‌شود، از تشریفات غیر ضروری محسوب نمی‌گردد، مشروط به این که اولاً کسانی از این جوایز و پاداشها برخوردار شوند که

۱. نهج البلاغه، نامه ۲۰.

۲. نهج البلاغه، سید رضی، ص ۴۳۰، نامه ۵۳.